

دوستی به مثابه جهان بینی

نگرشی نوین به مقوله

دوستی

دکتر سید محمد بن اسلامی و سیاست جهانی

به کوشش محمد جعفر امیر محلاتی

نویسندگان و مترجمان

ویلیام چیتیک، جمشید چوکسی، ریچارد بک، ساچیکو موراتا،
عبدالعزیز التویجری، اقبال رضا، سید حسین احمد، یوسف الشارونی،
مجید تخت روانچی، محمد برکت، علی نقی سلطان، داور بهبهانی،
مرتضی رحیمی نژاد، محمد هادی طلعتی، سید محمد تقی
و محمد جعفر امیر محلاتی



انتشارات هرمس



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، پلاک ۱۰۰، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

دوستی به مثابه جهان‌بینی

نگرشی نوین به مقوله دوستی در تمدن اسلامی و سیاست جهانی

گردآوری: محمدجعفر امیرمحران

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه	محران، محمدجعفر، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور:	دوستی به مثابه جهان‌بینی: نگرشی نوین به مفهوم دوستی در تمدن اسلامی و سیاست جهانی / نویسنده، تألیف و گردآوری محمدجعفر امیرمحران.
مشخصات نشر:	تهران: هرمس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۴۲۲+شش ص.
شابک:	978-600-456-008-5
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	دوستی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع:	Friendship -- Religious aspects -- Islam
موضوع:	دوستی
موضوع:	Friendship
رده‌بندی کنگره:	BP۱۹۶/۶۵/الف۸۵۹ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۳۷۷۶
شماره کتابشناسی ملی:	۴۵۹۶۹۹۷

فهرست

۱ سپاس نامه

۵ پیشگفتار

۱۱ درآمد: ضرورت بازاندیشی دوستی در ماحول اخلاق اجتماعی و روابط بین الملل

بخش نخست: دوستی در ماحول زندگی معنوی جهان

۳۳ مانیفست و پرسش های فلسفه دوستی؛ محمدجعفر امیرمزن

۶۷ دوستی و عشق در معنویت (عرفان) اسلامی؛ ویلیام چرکس؛ ترجمه علی نقی سلطانی

۸۵ دوستی به مثابه جهان بینی اخلاقی؛ یک دیدگاه قرآنی؛ محمدحسین امیرسلطانی

بخش دوم: دوستی در روابط بین فرهنگ ها، ملل و تمدن ها

۱۳۱ دوستی در ایران پیش از اسلام؛ جمشید چوکسی؛ ترجمه علی نقی سلطانی

۱۴۵ دوستی بین تمدن های مسیحی و اسلامی؛ ریچارد بولت؛ ترجمه مجید تخت روستی

۱۶۴ دوستی در اسلام کنفوسیوسی؛ ساچیکو موراتا؛ ترجمه علی نقی سلطانی

۱۷۴ دوستی در عالم اسلامی؛ عبدالعزیز التویجری؛ ترجمه مرتضی رحیمی نژاد

۱۸۵ دوستی در روابط بین الملل؛ اقبال رضا؛ ترجمه علی نقی سلطانی

دوستی بین ادیان و فرهنگ ها؛ زیربنای دوستی بین تمدن ها؛ سید حسین نصر؛

۱۹۸ ترجمه کاوه بهبهانی

بخش سوم: دوستی در متون پیشین

آیین دوستی و برادری در مکتب اسلام (فی مصادقة الاخوان)؛ شیخ صدوق؛

۲۲۷ به کوشش محمدپرکت

- ۲۴۹ رفتار با دوست؛ عبدالله بن مقفع؛ ترجمه محمد هادی طلعتی
- ۲۵۷ محبت و دوستی در رسائل اخوان الصفا؛ ترجمه سید محمد تقی
- ماهیت محبت و بغض و انواع آن در الذریعه الی مکارم الشریعه؛ راغب اصفهانی؛
- ۲۷۶ به کوشش محمد برکت
- ۲۹۰ گنج مردانگی در دوستی و برادری؛ شعبان جبریل عبدالعال؛ ترجمه مرتضی رحیمی نژاد
- ۳۱۲ برادران؛ ابن ابی الدنیا؛ ترجمه محمد هادی طلعتی

بخش چهارم: تاریخ سیر اندیشه دوستی در تمدن اسلامی

- ۳۵۷ در آری بر تاریخ اندیشه دوستی؛ یوسف الشارونی؛ ترجمه مرتضی رحیمی نژاد
- اندیشه دوستی در آثار ابن مقفع، مسکویه، ماوردی، ابن حزم و غزالی؛ یوسف الشارونی؛ ترجمه
- ۳۹۹ مرتضی رحیمی نژاد
- ۴۲۳ نمایه

پیشگفتار

کتاب حاضر، که در باب اخلاق دوستی در تمدن اسلامی و سیاست جهانی است، با هدف انتقال مفهوم دوستی و کار بر آن از محدوده روابط خصوصی و احساسی به ساخت آزاد و گسترده روابط مدنی سیاسی، بین المذاهب و بین المللی، و همچنین بیان این حقیقت که عدالت نقطه شروع تعاللات جمعی و جهانی است، نه صرفاً نقطه کمال آن‌ها تألیف و گردآوری شده است. در ایامی که مقاله‌های این مجموعه گردآوری می‌شد هنوز از پدیده داعش و کشتار وحشیانه ایشان به نام شرع که وهن انسانیت است، خبری نبود. هنوز طالبان پاکستان، و جهل کودک مدرسه‌ای را قتل عام نکرده بود. هنوز بوکو حرام بیش از دویست دختر خردسال را اندزدیده و به ازدواج اجباری وادار نکرده بود. جنایات داعش، طالبان و بوکو حرام حیثیت اسلام و مسلمانی را به شدت ملوکوک و، در آینه اخلاق عرفی جهانی، تمدن ما را به نقطه حضيض دماسنج اخلاقی کشانده است.

چنانچه بخواهیم با مقایسه کمی اعمال خشونت‌آمیز داعش و طالبان با مثلاً کشتار فجیع کودکان فلسطینی در تابستان ۱۳۹۳ به دست اسرائیل یا آنچه در اوکراین از طرف روس‌ها صورت گرفت و یا نتایج فجیع سیاست غرب مسیحی در سوریه به اصطلاح سری بلند کنیم و غیر مسلمانان را جنایتکارتر بدانیم، کار عبثی است. بین کشتار کودکان فلسطینی توسط اسرائیل یا صدها کودکان یمنی توسط عربستان چه تفاوت اخلاقی-انسانی وجود دارد؟ به لحاظ تمدنی اینکه به دیگران بگوییم شما بیش‌تر جنایت کرده‌اید هیچ حیثیت اخلاقی به مسلمانان نمی‌بخشد.

واقعیت این است که چه مسلمان جنایت کند چه یهودی چه مسیحی، اعتبار جمعی مذاهب ابراهیمی و انسانیت بر باد رفته است.

حضرت ابراهیم (ع) در چندین ساحت اخلاقی در حکم مظهر و نماد شناخته می‌شود. نخست اینکه دوست خدا بود و بنیان‌گذار مکتب دوستی، زیرا بر خورداری منفرد و خودخواهانه از نعمات الهی را بر نمی‌تافت و قهرمان مشارکت و نعمت‌ها بود. دیگر اینکه واسطه رحمت بود و حتی برای نجات عده‌ای از عذاب بوم اربط در بارگاه الهی میانجی‌گری کرد. همین صفات دوستی و رحمت او بود که آتش خشم نمرود را به باغ سبز صلح تبدیل کرد. از همین روست که رشته نسب اخلاق اکثر انبیا نخله‌های عرفانی و اصناف جوانمردی و فتوت به آن حضرت و نیز به ائمه علیهم‌السلام به عنوان مرشدان اکبر می‌رسد. در ماجرای امتحان بزرگ و نجات حضرت اسحاق (ع) به فرمان الهی، حضرت ابراهیم (ع) نقطه پایانی بر قربانی کردن انسان در راه خدا گذاشت.

اکنون جای هزار اف‌وس، مدوه است که امثال طالبان و داعش یعنی مدعیان پیروی از ابراهیم (ع) و مظهر کمال او یعنی حضرت ختمی مرتبت و پیامبر رحمت و مروت، به خشونت و ظلمات پیشا ابراهیمی بازگشته‌اند. چنین سرفرازی اخلاقی تمدن‌سوزی حقیقتاً جز به مدد اهریمن امکان ندارد. به گمان نویسنده پادزهر این شرارت‌ها رویکرد جدیدی به مفهوم دوستی، مروت و اشاعه و اعتلای این فضیلت در میادین روابط اجتماعی و بین‌المللی است. معنی‌شناسی دوستی از حیث فلسفی و اخلاقی، مقدمه مهمی برای گام ضروری بعدی یعنی نهادینه کردن دوستی در همه ساحات زندگی اجتماعی است. در حالی که در همه کشورها، وزارتخانه‌های دادگستری بخش عظیمی از نیروی انسانی را تحت عنوان اجرای عدالت صرف مجازات و تنبیه متجاوزان می‌کنند، کم‌تر یا هیچ دولتی برای دوستی هزینه نمی‌کند. در عین حال، همگان می‌دانند حفظ سلامت مهم‌تر از تلاش برای مداواست. پاسداری از دوستی در جامعه ملی و جهانی امری بدیهی و مستغنی از توجه فکری و مادی نیست. بسط ادبیات و نظریه‌های دوستی و تأسیس نهادهای دوستی‌محور، همت و توجه کلان دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی را طلب می‌کند.

دو هزار و پانصد سال پیش، ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس می‌نویسد: «دوستی عالی‌ترین و ضروری‌ترین خیر است که بدون آن ما حتی اگر همه نعمات دیگر را داشته باشیم سائقه و شوق زیستن نداریم.» پس از او، یکی از برجسته‌ترین آموزگاران ادبیات پارسی، سعدی، گفت:

با دوست کنج فقر بهشت است و بوستان
بی دوست خاک بر سر جاه و توانگری
تا دوست در کنار نباشد به کام دل

از هیچ نعمتی نتوانی که بر خوری

کلیات سعدی غزل ۵۵۸. ب

دوستی مثل آب و مثل آتش است و فراوان و به اندک بهانه و کوششی فراچنگ می‌آید، زیرا میل به دوستی در سرشت آدمیان است. سهراب سپهری، که دائماً در سودای خانه دوست بود می‌گفت «فتح یک قرن به دست یک شعر، فتح یک کوچه به دست دو سلام.» ویلیام بلیک^۱ هم می‌گفت: «پرنده یعنی پرواز، زنبور یعنی عسل و انسان یعنی دوست.» با این همه، شاید در تهران بیش از هر شهر دیگری، و در ایران بیش از هر کشور دیگری، دیدیم که هم‌اکنون هوای فراوان نیازمند مراقبت است. دوستی نیز نیازمند مراقبت مستمر و حمایت فرهنگی و نهادی است و گر نه از دل چهارده قرن تمدن اسلامی، تاریخی واژگون و امثال «شش و طالبان و بوکو حرام بر می‌آیند.

کارل پوپر، در واپسین سخن مکتوب فلسفی خود، نوشته است که همه نظریات و سخنان ابداعی او در طول سال‌های تدریس و تألیف در حقیقت جز بسط و شرح یک جمله بیش نبوده است: «من ممکن است در نظریاتم کاملاً بر خطا باشم و شما کاملاً بر حقیقت و صواب، اما از گفت‌وگوی بین من و شما هر دو ما چیزی خواهیم آموخت.» این سخن متین و سترگ باید در گوش مسلمانان پژواک آشنایی داشته باشد، زیرا در قرآن مجید خوانده‌اند که از آنجا که درک تفاوت‌ها منشأ معرفت و دانش است، خداوند مردمان را برای تولید معرفت در اجناس و قبایل و ملیت‌های

مختلف خلق کرد. حال باید پرسید با کدام الهیات و نظام اخلاقی می‌توان تفاوت‌ها را منشأ مشروع تنازعات پنداشت و برای نابودی آن‌ها دست به این همه جنایت زد، همان‌گونه که داعش و طالبان و بوکو حرام، سلفی‌ها و صهیونیست‌ها می‌زنند.

مکتب دوستی مدرسه الهیات برای تبدیل تفاوت‌های فکری به اخلاق و معارف سعادت افزاست. ایمان و عمل صالح به فرموده قرآن کریم جز افزایش دوستی نمی‌تواند بود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ رِزْقًا». تنازع امری طبیعی نیست، بلکه به فرموده قرآن کریم از تولیدات شیطانی است. از این رو، الهیات تنازع در واقع اجتماع متنوع اضداد است که درک و اجرای آن به سعادت مستقیم اهریمن نیازمند است و چنین است که الهیات داعشی، طالبانی، صهیونیستی و اوانجلیستی این همه جنایت و قساوت آفریده‌اند.

در حال حاضر، در محافل مختلف و مجامع جهانی صلح‌جو تلاش مستمری برای توسعه الهیات صلح در همه ادیان صورت می‌گیرد. این تلاش‌ها البته مغتنم و مبارک است. اما دام‌هایی که به راه صلحی سرد و غیردوستانه برساند نیم نقشه و کوره راه سعادت‌نمایی‌شان نیست. فرهنگ ایرانی که مهد ادبیات عرفانی است می‌تواند و باید پیشگام سایر فرهنگ‌ها در امر دوستی جهانی باشد. اگر فرهنگ اسلامی اسپانیا و اندلس توانست ادبیات رمانتیک و مهرورزانه را در اروپا ترویج دهد و گوته، امرسون، ادوارد براون، نیکلین و بسیاری دیگر از متفکران غربی را مسحور فرهنگ مشرق زمین بسازد، ادبیات پارسی اکنون می‌تواند و باید جهان خسته از خشونت و تشنه دوستی را سیراب کند.

در گام نخست، ما به پارادایمی جدید نیازمندیم که در عین حال از منابع معرفتی دینی بیگانه نباشد. می‌دانیم که الهیات عصر جدید برای پایه ممانعت از رویکردهای افراطی به سنت‌های دینی که حاصلش بروز رفتارهای مذهبی خشن است معادله اخلاق دینی را به معادله جایگزین دین اخلاقی تبدیل کرده است. جان کلام همه پیشگامان روشنگری دینی معاصر همین است که تنها آن گزاره‌ها و سنت‌های دینی پذیرفتنی‌اند که از بوته آزمایش اخلاقی خردمحور و عدالت‌پایه به سلامت بگذرند. این پارادایم و رویکرد الهیاتی، اکنون به سرعت در سراسر

جهان به سراغ همهٔ ادیان و ایضاً به سراغ دانشمندان الهیات اسلامی اعم از سنی و شیعی رفته است.

مدعای این کتاب اما پارادایم اخلاقی و فلسفی متعالی‌تری است که در عین قبول ضرورت دین اخلاقی، به سراغ خود نظام‌های اخلاقی می‌رود و به جای اینکه دوستی را تابع اخلاق بداند، بر عکس اخلاق را تابع دوستی می‌خواهد. به دیگر سخن، اخلاقی که عالی‌ترین مقصود و مقصدش اشاعهٔ دوستی عمودی و افقی، دوستی با خالق و خلق اعم از انسان و حیوان و محیط‌زیست نیست بعید است بتواند هدف امر خلقت را تأمین کند، بلکه اکثر صفات عالی و الهی دوستی از قبیل امانت، رحمت، شفقت، انس، محبت، رفق، عطف و داد و امثالهم را مهمل و در بهتری حال مهمل می‌گذارد. فقط در فضای پارادایم دوستی است که نظام اخلاق برتر و برتر تبع آن نظام احسن دینی قابل تعریف می‌شود.

به گمان نگارنده، گرچه ممکن است پارادایم دوستی به عنوان محک اخلاق سخن تازه‌ای باشد، اما آیا این مولفه، دینی را در پرتو جهان‌بینی دوستی خواستن تمام روح و لب هدف اخلاقی تشدید و تکثیر و ولایت به معنی گستردهٔ آن نیست؟ آیا ابوعلی مسکویه رازی دقیقاً بر زرف جهت تفکر عامیانهٔ رایج درست نمی‌گوید که عالی‌ترین وظیفهٔ امام در جامعه حفظ انس، مؤانست و سرآوری مؤسسهٔ انس است، یعنی دقیقاً ایجاد، حفظ و ارتقای دوستی؟ آیا آیات متعدد قرآن مجید که جهنم‌نشینان را محروم از دوستی اعلام می‌دارد، با نمی‌گوید که اصولاً معنای جهنم یعنی امتناع تولی و دوستی و در مقابل، بهیشت یعنی امکان دوستی؟ آیا قرآن مجید به پیامبر گرامی اسلام فرمان نمی‌دهد که به مردم بگوید که تنها شکر و سپاس در مقابل امر هدایت عمل دوستی است: «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۱

جان‌مایهٔ پارادایم «دوستی به مثابه جهان‌بینی» در همین دو معنا نهفته است: اول اینکه هدف ادیان اخلاق و هدف اخلاق ترویج و اعتلای دوستی است. دوم اینکه اخلاق غیردوستی محور و دین غیراخلاقی بهترین نقشه‌های راه دوزخ را به دست می‌دهند، زیرا دوزخ یعنی امتناع تولی و محبت. این همان نقشهٔ راهی است که

اکنون در دست خشونت پیشگانی امثال داعش و طالبان و بوکو حرام و افراطیون یهودی و مسیحی و لائیک، بشر را به سوی دوزخ رهنمون است. امید مؤلف، نویسندگان، ویراستاران و ناشر این اثر این است که در مسیر بیان روشن‌تر پارادایم دوستی، دامن زدن به گفتمان و بسط ادبیات دوستی گامی برداشته باشند.

محمد جعفر امیر محلاتی

www.ketab.ir